

کشوری مثل ایران، که یک بازیگر منطقه‌ای است، به‌گونه‌ای اجتناب‌ناپذیر نیازمند نیل به سطح خاصی از بازدارندگی تاکتیکی و راهبردی خواهد بود. همین که ایران می‌تواند بازدارندگی نسبی را شکل دهد و از قابلیت لازم برای حفظ موجودیت و اثربخشی در محیط پیرامونش برخوردار باشد، نقش قابل توجهی در فضای بازدارندگی منطقه‌ای ایفا خواهد کرد. قدرت‌سازی ایران بخشی از ضرورت‌های ژئوپلیتیکی محیط منطقه‌ای برای ایجاد موازنه انقلابی مبتنی بر اندیشه مقاومت خواهد بود.

نشانه‌های جدیدی از بازدارندگی در معادله قدرت منطقه‌ای با انقلاب ایران شکل گرفت. پیروزی انقلاب اسلامی ایران نقطه عطفی در شکل‌بندی‌های امنیت منطقه‌ای را به وجود آورد. از این دوران تاریخی به بعد، زمینه برای ائتلاف ژئوپلیتیکی ایران و مقاومت لبنان اجتناب‌ناپذیر شد. واقعیت کنش راهبردی بیان‌کننده این نکته است که ایدئولوژی و اهداف بنیادین جمهوری اسلامی ایران، نشانه‌هایی از تعارض با الگوی کنش تهاجمی اسرائیل را اجتناب‌ناپذیر می‌کند.

سطح جدیدی از بازدارندگی در برابر تهدیدات اسرائیل به وجود آمد که مبتنی بر نقش ژئوپلیتیکی و تاکتیکی ایران بوده است. در این فرایند جمهوری اسلامی توانست معادله و موازنه قدرت منطقه‌ای را دگرگون کند. تغییر سیاست ایران در برابر مثلث لبنان، سوریه و اسرائیل به‌گونه‌ای تدریجی ظاهر شده و تأثیر خود را در شکل‌بندی قدرت و سیاست منطقه‌ای منعکس ساخته است. انعکاس این امر را می‌توان در الگو و شکل‌بندی‌های تغییر در موازنه قدرت منطقه‌ای مشاهده کرد.

ظهور و قدرت‌یابی ایران در محیط منطقه‌ای، تأثیر خود را در شکل‌بندی موازنه قدرت به‌جای گذاشته است. رادیکالیزه شدن قدرت و سیاست در ایران، پیامدهای راهبردی خود در محیط منطقه‌ای را اجتناب‌ناپذیر کرده است. در چنین وضعیتی نشانه‌های مقابله با ایران در سطوح تاکتیکی، شناختی، راهبردی و عملیاتی در دستور کار نهادهای امنیتی اسرائیل قرار گرفت و تداوم یافت. تغییر در روند موازنه قدرت، چالش‌های بیشتری را در روابط ایران، کشورهای منطقه‌ای، آمریکا و اسرائیل اجتناب‌ناپذیر کرده است.

**آیا این بازدارندگی ایجاد شده است؟ در این رویارویی لحظات خاصی وجود داشته که می‌توانست وضعیت حادی ایجاد کند. از این لحظه‌ها نباید به‌سادگی گذشت. ما با ترور شهید سلیمانی روبه‌رو شدیم. اما آیا پاسخ ایران متناسب بود؟ شما درباره موازنه ضعف در خصوص ایران صحبت کردید و فرمودید که ما به‌صورت نسبی بر این اعمال موازنه فائق آمده‌ایم و به آن دست یافته‌ایم. در مقابل رژیم‌ها که سلاح اتمی دارد، چگونه می‌شود صحبت از فائق آمدن کرد؟ لحظه مهیب حمله اتمی اگرچه تاکنون رخ نداده، مسئله و تهدید آن همیشه برای ما وجود دارد. رژیم صهیونیستی زیرمگنه ما، مثل گربه‌ای است که در سه‌کنج دیوار گیر کرده و آخرین اقدامش، شاید خطرناک‌ترین اقدامش باشد؛ زیرا با رژیم‌های مختلفی پشتیبانی می‌شود که آن‌ها هم همین قدرت را دارند. در چنین وضعی اساساً ایده راهبردی بازدارندگی چقدر می‌تواند امنیت‌زا باشد؟ آیا نباید بیشتر از این را مبنای عمل قرار داد؟ مثلاً اینکه تهدید را پیش‌دستانه پس بزنیم؟**

هر اقدامی که کشورها انجام می‌دهند، تابعی از معادله قدرت است. زمانی که قدرت شما محدود باشد، ناچار می‌شوید که سیاست‌هایتان را هم با قالب‌های ابهام همراه کنید. شاید مهم‌ترین مسئله‌ای که در نظام جهانی وجود دارد، مهار قدرت ایران است و مهم‌ترین اقدامی که ایران دارد انجام می‌دهد، کنش در وضعیت ابهام است. به نظر من این دو مورد، پاسخ به یکدیگر است. جهان و نظام بین‌الملل دارد می‌کوشد که قدرت ایران را محدود کند؛ لذا من